



تفسير انجيل متي  
برای مشاوران مسیحي

**The Christian Counselors Commentary  
The Gospel of  
Matthew**

نویسنده: شاهرخ صفوی  
ویرایش: فرح صفوی  
مرجع: جی آدامز

## پیش نویس نویسنده

جی آدامز، بنیان گذار مکتب مشاوره مسیحی بود، و ما شاگردان او، دنباله آنچه آغاز کرده را ادامه می دهیم. کتابی که در دست دارید، آنچه مربوط به کمک به متقاضی می باشد را از طریق تفسیر انجیل (متی) برای مسیحیان فارسی زبان فراهم شده است. امیدوارم این کتاب باعث برکت شما بشود و پادشاهی خدا همانگونه که وعده داده (ارمیا ۴۹) در دل همه فارسی زبانان جهان جای بگیرد. آیات منتشر شده از ترجمه هزاره نو می باشند، مگر ذکر شده باشد. آمین

شاهرخ صفوی

## فصل دوازدهم

### متی ۱۲

- ۱: در آن زمان، عیسی در روز شَبَات از میان مزارع گندم می گشت. شاگردان او به علت گرسنگی شروع به چین خوشه های گندم و خوردن آنها کردند.
- ۲: فریسیان چون این را دیدند به او گفتند: «نگاه کن، شاگردانت کاری انجام می دهند که در روز شَبَات جایز نیست».
- ۳: پاسخ داد: «مگر نخوانده اید که داوود چه کرد، آنگاه که خود و یارانش گرسنه بودند؟»
- ۴: به خانه خدا درآمد و خود و یارانش نان حضور را خوردند، هر چند خوردن آن برای او و یارانش جایز نبود، زیرا فقط کاهنان بدان مجاز بودند

جَرّ و بحث ....! این است آنچه در این فصل شاهد آن خواهیم بود. البته شکی نیست که عیسی این جَرّ و بحث را خودش با صحبت راجع به کسانی که پیامش را شنیده بودند و ایمان نیاوردند، بوجود آورد. اما او نبود که شر را راه انداخت؛ تعلیم او بود که خشم و غضب کسانی که ایمان نمی آورند را آشکار می نمود. مشاوران مسیحی نیز در مواقعی دچار جَرّ و بحث می شوند، نه آنکه می خواهند، بلکه بخاطر آنکه می خواهند حقیقت را بازگو نمایند. شکی نیست که در دنیا، آنچه ماندگار بوده جَرّ و بحث راجع به عیسی است. دو مورد اولشان مربوط به قانون شَبَات و نگاه نداشتن آن توسط شاگردانش بود. اما در واقع قانون شکنی نکرده بودند. مورد اول (۱ تا ۸) پاسخ بسیار قوی را دریافت نمود. توجه داشته باشید که عیسی در پاسخ، کلام را به زبان آورد. بگذارید کلام بجای شما حرف بزند. وقتی مشاوره را با کلام آغاز می کنید و انتظار دارید متقاضی از طریق روح القدس برداشت لازم از کلام را به او بدهد، جواب سوالات و شک و تردیدها را نیز، از طریق کلام بدهید. لزومی ندارد کلام را حفظ کنید. موضوع را یادداشت کنید و پس از بررسی کلام، موضوع را در جلسه بعد دوباره از نو آغاز کنید و جواب سوالات را از کلام بدهید. انسان اعتبار بیشتری به آنچه خدا گفته می دهد، تا حرف انسان.

## متی ۱۲

- ۵: یا مگر در تورات نخوانده اید که در روزهای شبات، کاهنان در معبد، حرمت شبات را نگاه نمی دارند، و با این همه بی گناهند؟
- ۶: به شما می گویم کسی در اینجاست که بزرگتر از معبد است!
- ۷: اگر مفهوم این کلام را درک می کردید که "رحمت را می پسندم، نه قربانی را"، دیگر بی گناهان را محکوم نمی کردید.
- ۸: زیرا پسر انسان صاحب شبات است.»
- ۹: سپس آن مکان را ترک گفت و به کنیسه آنان درآمد.
- ۱۰: در کنیسه مردی بود که یک دستش خشک شده بود.
- از عیسی پرسیدند: «آیا شفا دادن در روز شبات جایز است؟»
- این را گفتند تا بهانه ای برای متهم کردن او بیابند.
- ۱۱: او بدیشان گفت: «اگر یکی از شما گوسفندی را داشته باشد و آن گوسفند در روز شبات در چاهی بیفتد، آیا آن را نمی گیرید و از چاه بیرون نمی آورید؟»
- ۱۲: حال، انسان چقدر با ارزشتر از گوسفند است! پس نیکویی کردن در روز شبات جایز است.»

مورد دوم مربوط به کاهنان است که در دوران شبات قانون آن را پایمال کردند. عیسی می گوید، "رحمت را می پسندم، نه قربانی را" (۷). مذهب هیچوقت نتوانسته پوسته سخت شیطان را بر دل انسان بشکافد. چون امکان این کار در دست مذهب نیست. جرم، بقدر کافی پرداخت نشده، و شیطان کماکان بر صدر زندگی مانده. روح القدس است که ما را به جانب خدا می کشاند. اگر او را در خود داریم، قربانی دیگری را لازم نداریم. عیسی فرمود که او صاحب مذهب یهود است.

متأسفانه دنیا مسیحی را نیز همچون مذهب (دین) می شناسد (مانند مذاحب دیگر)، و نتیجتاً همان گونه با آن رفتار می کند. در صورتی که مسیح رابطه ما را با خدا، خالق انسان برقرار کرد. اینجا باز متوجه نالایق بودن کلیسای عیسی می شویم، که پس از قرنها هنوز نتوانسته اصل موضوع عیسی را مطرح نماید. برادر، خواهر، اصل موضوع تقدیس است، و تمام کلام خدا تمرکز بر آن دارد. خواست خدا در این است که فرزندان، رابطه شخصی خود را از طریق روح القدس که درون خود دارند، برقرار نمایند.

فریسیان پرسیدند "آیا شفا دادن در روز شبات جایز است؟" (۱۰). متوجه سوالشان شدید؟ بنظرشان روز شبات نباید هیچ کاری (حتی شفای بیمار) را انجام داد. می گویند بخاطر آنست که روز ششم، خدا استراحت کرد (خروج ۱۶: ۲۹). ما می دانیم که خدا همیشه در کار است (شب و روز) و هیچ وقت خسته نمی شود و استراحت لازم ندارد. روز استراحت را برای ما که از کار کردن خسته می شویم، برقرار نمود. بله خدا (عیسی) صاحب شبات است و محبت و نیکوئی در صدر واجبات است.

## متی ۱۲

۱۳: سپس به آن مرد گفت: «دستت را دراز کن!»  
او دستش را دراز کرد و آن دست، مانند دست دیگرش سالم شد.  
۱۴: اما فریسیان بیرون رفتند و با هم مشورت کردند که چگونه او را بکشند.  
۱۵: چون عیسی از این امر آگاه شد، آن مکان را ترک گفت.  
اما عده بسیاری از پی او رفتند  
و او جمیع ایشان را شفا بخشید  
۱۶: و ایشان را قدغن فرمود که او را شهرت ندهند.  
۱۷: این واقع شد تا گفته اشعیای نبی به انجام رسد که:  
۱۸: «این است خادم من که او را برگزیده ام،  
محبوب من که جانم از او خشنود است.  
روح خود را بر وی خواهم نهاد  
و او عدالت را به قومها اعلام خواهد داشت.

در آیه ۱۳، عیسی به مفلوجی که در کنیسه بود گفت کاری را انجام دهد که خودش امکان انجام آن را نداشت. به این طریق به ما نشان می دهد که ما باید برای انجام کاری که بنظر ما غیر ممکن می آید سعی خود را بکنیم، و شاید مانند مردی که دستش خشک شده بود، در حال انجام کار توانائی آن را نیز بدست آوریم. خدا انجام خواست خودش را برکت می دهد. معمولاً کمک لازم را پس از سعی و کوشش ما به ثمر می رساند. روح القدس در دوره مشاوره، ابتدا به متقاضی توانائی لازم را برای تجزیه و تحلیل آیات می دهد، و سپس نحوه ترکیب آن را در زندگی او نمایان می سازد.  
در آیه ۱۴ متوجه خشمی می شویم که پیام عیسی ایجاد کرده بود. البته اگر دکان کسانی که مذهب را به رخ می کشند تخته کنید، هر طور شده حساب شما را خواهند رسید.

## متی ۱۲

- ۱۹: نزاع نخواهد کرد و فریاد نخواهد زد؛  
و کسی صدایش را در کوچه ها نخواهد شنید.  
۲۰: نی خرد شده را نخواهد شکست  
و فتیله نیم سوخته را خاموش خواهد کرد،  
تا عدالت را به پیروزی رساند.  
۲۱: نام او مایه امید برای همه قومها خواهد بود».  
۲۲: آنگاه مردی دیورده را که کور و لال بود نزدش آوردند و عیسی او را شفا داد،  
به گونه ای که توانست ببیند و سخن بگوید.  
۲۳: پس آن جماعت همه در شگفت شدند و گفتند:  
«آیا این مرد همان پسر داوود نیست؟»  
۲۴: اما چون فریسیان این را شنیدند،  
گفتند: «به یاری بعزبول، رئیس دیوهاست  
که دیوها را بیرون می کند و بس!».

در آیات ۱۹ تا ۲۱، عیسی همایت خود را از نو ایمانان و کسانی که ایمانشان ضعیف است نشان می دهد. امروزه که روح القدس در دسترس ماست، غریضه انجام خواست خدا، و طریق انجام آن را، او به ما می دهد. در اول قرن نین ۲: ۱۳ می خوانیم، "زیرا خداست که با عمل نیرومند خود، هم تصمیم و هم قدرت انجام آنچه را که خشنودش می سازد، در شما پدید می آورد".

در آیات ۲۲ تا ۲۵، دوباره شاهد جر و بحث های مذهبیون می شویم. اول ایرادشان این بود که چرا در روز شبات شفا داده! و حال در خصوص شفا ی مرد کور و لال، گفتند "به یاری بعزبول، رئیس دیوهاست که دیوها را بیرون می کند و بس!".

انسان گناه کار همیشه لازم می بیند از خود و افکارش دفاع نماید، و چون اطمینان لازم از شناخت عیسی را نیافته، بهانه های مختلفی را برای رد او (دفاع)، به میان خواهد آورد. این همان جنگی است (روحانی) که در خصوص متقاضیان، یعقوب می گوید در دوره پایداری صورت می گیرد.

در آیه ۲۳ می بینیم که مردم شگفت زده شده بودند چون متوجه معجزه شده بودند، و فکر می کردند او همان که در عهد قدیم "پسر داوود" (مزمور ۲) نام برده شده می باشد. تصورشان درست بود، اما فریسیان چون آن را دیدند، و کاری از دستشان بر نمی آمد، گفتند، "به یاری بعزبول، رئیس دیوهاست که دیوها را بیرون می کند و بس!" (۲۴). زخم زبان جز تسلیحات کسانی است که مخالف عیسی هستند. ابتدا او را پشت سرش بد نام می کنند (تعنه، کنایه، شایعه)، و اگر آن میسر نشد، جانش را می گیرند.

۲۵: عیسی افکار آنان را دریافت و بدیشان گفت: «هر حکومتی که بر ضد خود تجزیه شود، نابود خواهد شد، و هر شهر یا خانه ای که بر ضد خود تجزیه شود پا برجا نخواهد ماند.

۲۶: اگر شیطان، شیطان را بیرون کند، بر ضد خود تجزیه شده است؛ پس چگونه حکومتش پا برجا خواهد ماند؟

۲۷: و اگر من به یاری بعزبول دیوها را بیرون می کنم، شاگردان شما به یاری که آنها را بیرون می کنند؟ پس ایشان خود داوران شما خواهند بود.

۲۸: اما اگر من به واسطه روح خدا دیوها را بیرون می کنم، یقین بدانید که پادشاهی خدا بر شما وارد آمده است.

۲۹: به علاوه، چگونه کسی می تواند به خانه مردی نیرومند درآید و اموالش را غارت کند، مگر این که نخست آن مرد را ببندد. سپس می تواند خانه او را غارت کند.

۳۰: هر که با من نیست، بر ضد من است، و هر که با من جمع نکند، پراکنده می سازد.

در آیات ۲۵ تا ۳۷، عیسی پاسخ محکمی به آنها (تظاهر به روحانیت) می دهد. ضمناً توجه داشته باشید، کلام می گوید "عیسی افکار آنان را دریافت". خدا خالق انسان است و از فکر او همیشه مطلع می باشد. او می داند انسان چه درون دل دارد، و بر حسب آن عمل می کند. استدلال فریسیان منطقی نبود، و عیسی آنرا برملا کرد (۲۶). منظور تنها آن نبود که نشان دهد استدلالشان اشتباه است، بلکه او به آنچه در دل دارند نیز واقف است. ممکن است شما (و حتی خودشان) را فریب بدهند، اما خدا را نمی توانند فریب بدهند. اصولاً کار خدا نجات انسان از شر شیطان است، چه ایماندار و چه بی ایمان، و در آیه ۲۸ عیسی می گوید، "اما اگر من به واسطه روح خدا دیوها را بیرون می کنم، یقین بدانید که پادشاهی خدا بر شما وارد آمده است." "پادشاهی خدا" همان روح القدس است که وارد صحنه شده و آنها را نجات داده، و تا آخر عمرشان در کار خواهد بود. مشاوران مسیحی باید کاملاً با زمینه سازی کار روح القدس (۱) آشنا بوده باشند، تا بتوانند متقاضیان را برای برداشت کافی از کلام هدایت کنند. هیچ دو نفری شبیه هم نیستند، و هر یک خواست ویژه خدا را در زندگی خود دارند (اول قرنیتیان ۱۲: ۸-۹). یک روح است، اما میوه زندگی هر یک از فرزندان، خصوصیات خاص خود را دارد.

عیسی در دنباله صحبتش مثال دیگری را عنوان می کند (۲۹). می گوید، "مگر این که نخست آن مرد را ببندد. سپس می تواند خانه او را غارت کند". جالب است که این همان کاریست که روح القدس در قبال شیطان انجام می دهد.

و در آیه ۳۰، عیسی می گوید، "هر که با من نیست، بر ضد من است، و هر که با من جمع نکند، پراکنده می سازد". عیسی در این خصوص بسیار مصر بود. نمی توان در ارتباط با او بی طرف ماند (تنها دو روح

موجود است). مانند شنا کردن بر عکس جریان آب است. نمی توان پا بر جای ماند. یا مقابل جریان آب شنا می کنید، یا با جریان آب عقب رانده خواهید شد.

مشاوران مسیحی معمولاً تصور می کنند همه متقاضیان پیرو عیسی مسیح هستند. در صورتی که بسیاری از مشکلات مشاوران مسیحی این است که متقاضیان شک و تردید هایشان در مکتب روحانی خدا، از میان نرفته است. بعنوان مثال، نمی دانند مفهوم "جمع" کردن و یا "پراکنده" کردن چیست. تصور کنید یکی از اعضای شما کلیسا را ترک کرده. آیا پژوهش کافی در مورد دلیل آن انجام خواهید داد؟ آیا آنچه باعث ترک او از کلیسا شده را اصلاح خواهید کرد؟ باید توجه داشته باشید، اگر یک بار شیطان موفق شد، یقیناً بار دیگر نیز دست درازی خواهد کرد. متقاضیان در خصوص موضوع خود غالباً می گویند، من گناه نکردم. می گوئید شاید، اما در رابطه با این آیه، کار درست را نیز انجام ندادید، و آن همان "پراکنده" کردن است. اگر از گوسفندان مراقبت نشود، "پراکنده" خواهند شد.



## متی ۱۲

- ۳۱: پس به شما می گویم،  
هر نوع گناه و کفری که انسان مرتکب شود، آمرزیده می شود،  
اما کفر به روح  
آمرزیده نخواهد شد.
- ۳۲: هر که سخنی بر ضد پسر انسان گوید، آمرزیده شود،  
اما هر که بر ضد روح القدس سخن گوید،  
نه در این عصر و نه در عصر آینده، آمرزیده نخواهد شد.
- ۳۳: «اگر میوه نیکو می خواهید،  
درخت شما باید نیکو باشد.  
زیرا درخت بد میوه بد خواهد داد.  
درخت را از میوه اش می توان شناخت.
- ۳۴: ای افعی زادگان، شما که بد سیرت هستید،  
چگونه می توانید سخن نیکو بگویید؟  
زیرا زبان از آنچه دل از آن لبریز است، سخن می گوید.
- ۳۵: شخص نیک، از خزانه نیکوی دل خود نیکویی بر می آورد  
و شخص بد، از خزانه بد دل خود، بدی.
- ۳۶: اما به شما می گویم که مردم برای هر سخن پوچ که بر زبان برانند،  
در روز داوری حساب خواهند داد.
- ۳۷: زیرا با سخنان خود تبرئه خواهید شد  
و با سخنان خود محکوم خواهید گردید».

سپس، عیسی موضوع کفر به روح القدس را عنوان می کند (۳۱). روح القدس را شیطان صفت خواندن عواقب ناگواری دارد.

متقاضیانی را خواهید داشت که فکر می کنند مرتکب گناه کبیره (علیه روح القدس) شده اند. باید متوجه اصل موضوع بشوند؛ گناه در دانستن حقیقت، و در رد کردن آن است. همان که نگران مرتکب به آن هستند، نشانه پایبند بودنشان به اوست.

در آیه ۳۳، عیسی شباهت کار روح اقدس را با رشد درخت عنوان می کند. نوع درخت، از میوه اش شناخته می شود، و "اگر میوه نیکو می خواهید، درخت شما باید نیکو باشد". خواست خدا، میوه روح القدس است ("میوه نیکو")، که از طریق بکار بردن کلام در زندگی، بدست می آید. پس از صحبت از میوه خوب و بد، عیسی روی به فریسیان می کند (مذهبیون)، و آنان را نمونه ای از میوه بد معرفی کرد. قبلاً روح القدس را "بعلزبول" نام برده بودند.

اصل موضوع این قسمت را در آیه ۳۵ می بینیم - آنچه بد یا خوب در انسان هست، از خزانه دلش بر می خیزد. اشکال انسان در دلش می باشد، و نشانه آن همان است که به جای می آورد. هر استدلالی که انسان به زبان آورد، پشتوانه لازم را در دلش دارد. و نهایتاً، در آیات ۳۶ و ۳۷، داوری خداوند را از گفتار و کردار انسان را می بینیم.

۳۸: آنگاه عده ای از علمای دین و فریسیان به او گفتند:

«استاد، می خواهیم آیتی از تو ببینیم».

۳۹: پاسخ داد «نسل شرارت پیشه و زناکار آیتی می خواهند!

اما آیتی بدیشان داده نخواهد شد، جز آیت یونس نبی.

۴۰: زیرا همان گونه که یونس سه روز و سه شب در شکم ماهی بزرگی بود،

پسر انسان نیز سه روز و سه شب در دل زمین خواهد بود.

۴۱: مردم نینوا در روز داوری با این نسل بر خواهند خاست و محکومشان خواهند کرد،

زیرا آنها در اثر موعظه یونس توبه کردند،

و حال آنکه کسی بزرگتر از یونس اینجاست.

در آیه ۳۸، از عیسی میخواستند نشانی از خود ("آیت") فراهم آورد! پس از شفاهای و معجزاتش، کماکان او را نشناخته بودند. گناه پرده ای بر چشم انسان می گذارد تا حقیقت را نبیند. تازه بسیاری لازم دارند حقیقت را بارها بشنوند، تا برداشت صحیحی از آن را بدست آورند. در پاسخ (۳۹)، عیسی به "یونس" اشاره می کند و آن را بعنوان نمونه "آیتی" از خود، نام می برد، و در آیه ۴۰، شاهد شباهت این دو می شویم. عیسی حرف هایش را همیشه بر مبنای کلام استوار می کرد. در مشاوری مسیحی، برداشت متقاضی باید از کلام باشد، نه از مشاور. مشاور، زمینه کار (۱) را برای روح القدس فراهم می سازد، و برداشت های متقاضی را بر حسب (معیار) 'راه تنگ و باریک' (۲)، بررسی و تصحیح می کند.

انسان زمانی با روح آشنا می شود، که با مکتب آن روبرو می شود. می خواهد بشناسد، اما صدی در مقابلش ایستاده. سعی می کند با فهم و شعور خود آن را دریابد، و به این خاطر "آیتی" را لازم دارد، تا بتواند قبول کند. اما باید بداند که ملکوت خدا از این دنیا نیست، ملکوتی روحانیست، و مکتب خواص خود را نیز دارد. لوقا در فصل شانزدهم می گوید حتی اگر این افراد مرده را که زنده شده ببینند، باور نخواهند کرد.

## متی ۱۲

۴۲: ملکه جنوب در روز داوری با این نسل بر خواهد خاست و محکومشان خواهد کرد، زیرا او از آن سوی دنیا آمد تا حکمت سلیمان را بشنود، و حال آنکه کسی بزرگتر از سلیمان اینجاست.

۴۳: «هنگامی که روح پلید از کسی بیرون می آید، به مکانهای خشک و بایر می رود تا جایی براه استراحت بیابد، اما نمی یابد.

۴۴: پس می گوید "به خانه ای که از آن آمدم، باز می گردم».

اما چون به آنجا می رسد و خانه را خالی و رفته و آراسته می یابد،

۴۵: می رود و هفت روح بدتر از خود را نیز می آورد و همگی داخل می شوند و در آنجا سکونت می گزینند.

در نتیجه، سرانجام آن شخص بدتر از حالت نخست او می شود. عاقبت این نسل شریر نیز چنین خواهد بود».

عیسی ملکه جنوب را مثال آورد (۴۲)، "زیرا او از آن سوی دنیا آمد تا حکمت سلیمان را بشنود" اما، این افراد کماکان گوششان سنگین بود. آن صد معیر (دیوار آتشین است که برداشته نشده بود. مشاوران مسیحی باید جویای شک و تردید های متقاضیان باشند، چون همان شک و تردید هاست، که صد معیر رشد روحانی را می سازند. ایمان، ساختمانی است که با برداشت کامل (افکار و رفتار) از کلام (تجربه کلام خدا) ساخته می شود و رشد می کند. دانستن، بدون تجربه فایده ندارد (حتی در دسترس شیطان نیز قرار می گیرد). خدا نان کفاف امروز ما را می دهد. ابتدا باید نان امروز ما هضم بدن بشود، تا جای کافی برای نان فردا آماده گردد. خدا قبلاً گفته بود (خروج ۱۶: ۱۹) برای فردای خود نان انبار نکنید. در نتیجه، دانستن همراه با عمل کردن است که میوه خدا را در ما بوجود می آورد (اشعیا ۵۵: ۸-۹). تجربیات نیز برای همه یکی نیست، و خواست خدا این نیست که همه شبیه هم باشیم. آنگونه که عیسی بود، آنگونه خدا می خواهد باشیم. روح القدسی که درون ما هست آن را اجرا می نماید.

در آیات ۴۳ - ۴۵، شاهد فرق عمده ای که میان مذهب و خدا وجود دارد را مشاهده می کنیم. مذهب می گوید این کار را بکن، اون کار را نکن. هر مذهبی نیز احکام خود را دارد. عیسی در فصل ۵ گفته بود، نیامد تا احکام خدا را نسخ کند، بلکه بجای آورد. بجای آوردن نیز، نیاز به الگوی لازم (عیسی) دارد. آیات مربوط به وضع موجود ایماندار، و انتظار برداشت از روح القدسی که در خود دارد، خواست خدا را نشان خواهند داد.

میوه مذهبیون دنیا را اینگونه در آیه ۴۵، می بینیم. توانشان تنها محدود به بیرون ساختن شیطان بود، قافل از اینکه "می رود و هفت روح بدتر از خود را نیز می آورد".

مذحبیون را می توان رفقای نیمه راه دانست. از شیطان بیزارند، اما چاره آن را دریافت نکرده اند. همش می نالند. مثل آن می ماند که پزشکی اشکال شما را نام ببرد، اما درمان آن را ندهد. درمان تنها در شناخت مسئله نیست، در حل مسئله نیز هست. دورانی است از شناخت و درمان. چطور شما انتظار درمان خود را در بیمارستان دارید، اما انتظار درمان روحی را در کلیسا ندارید. ندارید چون نخواستید. درمان در کلام و روح القدس است که آن را در وجود انسان هضم می نماید.

## متی ۱۲

- ۴۶: در همان حال که عیسی با مردم سخن می گفت،  
مادر و برادرانش بیرون ایستاده بودند و می خواستند با وی گفتگو کنند.  
۴۷: پس شخصی به او خبر داد که:  
«مادر و برادرانت بیرون ایستاده اند و می خواهند با تو گفتگو کنند».  
۴۸: پاسخ داد: «مادر من کیست؟ و برادرانم چه کسانی هستند؟»  
۴۹: سپس با دست خود به سوی شاگردانش اشاره کرد و گفت:  
«اینانند مادر و برادران من!»  
۵۰: زیرا هر که اراده پدر مرا که در آسمان است به جای آورد،  
برادر و خواهر و مادر من است».

در انتهای این فصل، رابطه عیسی را با خانواده می بینیم، که خودش را سر خانواده و اعضای خانواده را برادر و خواهر و مادرانش نام برد. ما، به آن برادران و خواهران و مادران می گوئیم کلیسا. این موضوع نشان می دهد که رابطه روحانی قویتر از رابطه انسانی است.  
و نهایتاً در آیه ۵۰، عیسی اصل موضوع را بیان می نماید، "زیرا هر که اراده پدر مرا که در آسمان است به جای آورد، برادر و خواهر و مادر من است". همانگونه که گفته بود، "هر که با من جمع نکند، پراکنده می سازد" (۳۰)، خانواده را نیز دور خود "جمع" خواهد کرد. منظور اینست، که چون بقیه فامیل شما مخالف عیسی مسیح می باشند، دلیل بر این نیست که شما نیز باید مخالف او باشید. همه ایمانداران قبلاً بی ایمان بوده اند، و بسیاری مجبور به ترک خانواده طفولیت خود شده اند.

## فهرست زیر نویس های فصل دوازدهم

### (۱) زمینه سازی کار روح القدس:

۱. باید قبول کرده باشد که روح القدس خود خداست.
۲. باید قبول کرده باشد که روح القدس در او ساکن است.
۳. باید قبول کرده باشد که وقتی روح القدس کلامش را در او شنید. آن باعث ایمان او گردید.
۴. باید قبول کرده باشد که روح قدوس + کلام قدوس = قدوسیت او را بجا می آورد (بهشتی).
۵. باید قبول کرده باشد که روح القدس در او، جواب را به او خواهد داد.
۶. باید قبول کرده باشد که جلال به خدا، جلال را به او نیز می دهد، چون در او ساکن است.
۷. اول قرن نهم: ۱۰: ۱۳.

(۲) راه تنگ و باریک را با مطالعه کتاب 'مکتب روحانی مشاوره مسیحی' می توانید بیاموزید.